

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بخش اول - قرآن خواندنی^۱

تاکنون شده متنی را بخوانید اما چیزی از آن دریافت نکنید؟ اصلاً خواندن به چه معناست؟ وقتی متنی را می‌خوانیم انتظار داریم چه اتفاقی در ما بیفتد؟ اگر ما نویسنده باشیم و متنی بنویسیم، حداقل انتظاری که از خواننده داریم چیست؟ به طور طبیعی حداقل انتظار داریم خواننده به آنچه در متن گفتیم توجه کند و منظور ما را بفهمد. متن‌ها از واژه‌ها و کلمات تشکیل شده‌اند. برای فهمیدن یک متن، لازم است واژه‌ها را بفهمیم و درک کنیم. برای درک بهتر هر واژه، علاوه بر دانستن معنایش، لازم است آن را ببینیم. یعنی تصویر واژه در ذهن ما دیده و حس شود. این جمله را بخوانید: «نم نم باران آمده و به خاک خورده؛ بوی خاک می‌آید.» اکنون نم نم باران، خاک و بوی خاک باران خورده را در ذهن خود ببینید و بهتر تصور کنید.

با تصور کردن، حس کردن عبارات و قرار دادن خود در موقعیت یک کلام، معنی آن کلام بهتر درک می‌شود. معنای قرائت همین است. قرائت یک متن یعنی خواندن کلمات همراه با درک پیوسته معانی آنها تا رسیدن به یک مفهوم کامل‌تر. نمی‌شود متنی را خواند و چیزی از آن درک نکرد؛ چرا که در این حالت عمل خواندن و قرائت صورت نگرفته و متنی خوانده نشده است.

اکنون با تصویری که از مفهوم قرائت در ذهنمان شکل گرفته، سراغ قرآن کریم می‌رویم. این امر در نسبت با قرآن نیز که کلام خداوند است باید رخ دهد. قرآن کتابی خواندنی است. باید آن را بخوانیم اما اصل خواندن قرآن، خواندن همراه با دریافت است؛ نه صرفاً روخوانی بدون هیچ درکی از آیات. هرچه بیشتر خود را در موقعیت آیات و سوره‌ها قرار دهیم، دریافت بیشتری خواهیم داشت. آیات زیر را بخوانید و سعی کنید توصیفات آیه را در ذهن خود تجسم نمایید:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.^۲ بی تردید در آفرینش آسمان‌ها و زمین و رفت و آمد شب و روز و کشتی‌هایی که در دریاها [با جابجا کردن مسافر و کالا] به سود مردم روانند و بارانی که خدا از آسمان نازل کرده و به وسیله آن زمین را پس از مردگی‌اش زنده ساخته و در آن از هر نوع جنبنده‌ای پراکنده کرده و گرداندن بادها و ابر مسخر میان آسمان و زمین، نشانه‌هایی است [از توحید، ربوبیت و قدرت خدا] برای گروهی که می‌اندیشند.^۳

همچنین آیه‌ای را که در مورد زنبور عسل در سوره نحل آمده است بخوانید: وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ. و پروردگارت به زنبور عسل الهام کرد که از کوه‌ها و درختان و آنچه [از دار بست‌هایی] که [مردم] بر می‌افرازند، برای خود خانه‌هایی بگیرد. ثُمَّ كُلِّي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.^۴ آن گاه از همه محصولات و میوه‌ها بخور، پس در راه‌های پروردگارت که برای تو هموار شده [به سوی کندو] برو؛ از شکم آنها [شهدی] نوشیدنی با رنگ‌های گوناگون بیرون می‌آید که در آن درمانی برای مردم است. قطعاً در این [حقیقت] نشانه ایست برای مردمی که می‌اندیشند.^۵

بین خواندن همراه با حس کردن و خواندن بدون حس کردن، تفاوت زیادی وجود دارد. هرچقدر خواندن و قرائت کردن قرآن با فهمیدن همراه باشد لذت بخش‌تر خواهد بود و کشش بیشتری به سمت آن حاصل خواهد شد. در غیر این صورت خواننده با متنی بی روح مواجه شده که نتوانسته هیچ ارتباطی با آن برقرار کند.

^۱ برگرفته از کتاب فهم قرآن در دبستان و دبیرستان. احمدرضا اخوت. نشر قرآن و اهل بیت نبوت(ع). چاپ دوم ۱۳۹۹

^۲ سوره مبارکه بقره، آیه ۱۶۴

^۳ ترجمه حسین انصاریان

^۴ سوره مبارکه نحل، آیات ۶۸ و ۶۹

^۵ ترجمه حسین انصاریان

این آیات را با توجه به معنای «خواندن و قرائت» بخوانید: أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛^۶ آیا کسی که با صورت به زمین خورده و در همان حال راه می‌رود، هدایت‌یافته‌تر است؟ یا کسی که در حالت ایستاده، در مسیر درست راه می‌رود؟ با خواندن این آیه باید بتوانیم دو وضعیت را تصور کنیم. اول وضعیت شخصی که به جای ایستاده راه رفتن، روی زمین افتاده و با حالت خزیدن حرکت می‌کند. دوم وضعیت کسی که استوار ایستاده و راه خود در مسیری درست پیش گرفته و جلو می‌رود. در هر دو حالت، حرکت وجود دارد اما نحوه به مقصد رسیدن، زمان به مقصد رسیدن، سختی و راحتی حرکت کردن در مسیر، فاصله‌ای از زمین دارد تا آسمان.

پس دانستیم قرائت و خواندن بدون دریافت، دستاورد ویژه‌ای ندارد و در این حالت در واقع عمل خواندن صورت نگرفته است. اما باید این نکته را هم در نظر داشته باشیم که قرائت قرآن سطوح مختلفی دارد؛ حتی روخوانی ابتدایی با توجه اما بدون فهم معنا نیز دریافتی به همراه دارد. یعنی سطحی از قرائت قرآن، صرفاً خواندن همراه با دریافت معنویت است. در بسیاری اوقات، ما قرآن می‌خوانیم اما هیچ توجهی به معنای آیات نداریم. بدیهیست در این حالت به همه آنچه مقصود صاحب متن یعنی خداوند بوده دست نیافته‌ایم اما به هر حال بهره‌ای حداقلی از آیات برده‌ایم. مانند اینکه نزد یک عالم برویم و فقط به تماشای او بنشینیم و رفتارهای او را مشاهده کنیم بدون اینکه هیچ گونه سوالی از او بپرسیم تا از علم او بهره مند شویم. البته که همین حد از ارتباط نیز سبب دریافت معنویت می‌شود اما می‌توان از علم و دانش یک دانشمند بهره‌هایی به مراتب بیشتر برد و چنین فرصتی را غنیمت شمرد.

سطح بالاتری از قرائت قرآن، خواندن همراه با دریافت مفهومی کلی از آیات یا یک سوره است. مانند اینکه در یک صفحه قرآن، پیامی از یک آیه را درک کنیم. یا سوره‌ای مانند سوره ناس را بخوانیم و به طور کلی بدانیم سوره چه مطلبی را منتقل می‌کند و چه پیامی دارد. در این حالت، هم از سوره معنویت کسب می‌کنیم هم در برخی موقعیت‌های زندگی و روزمره خود می‌توانیم یاد پیام سوره یا آیه بیفتیم و از آن بهره ببریم. دریافت معنویت در این سطح و همه سطوح قرائت قرآن وجود دارد.

سطحی از قرائت، خواندن قرآن همراه با درک مفاهیم با جزئیات است. یعنی نه در حد یک پیام کلی بلکه به طور جزئی‌تر بدانیم موضوعات مطرح شده در سوره‌ای مانند سوره ناس چیست و این سوره در مورد چه مسائلی سخن می‌گوید. البته در این حالت قبل از خواندن سوره، با مسأله‌ای مواجه شده‌ایم و می‌خواهیم جواب خود را از قرآن بگیریم. پس به قرآن رجوع می‌کنیم. در این مرحله به مرور میزان تسلط ما به سوره‌ها کمی بیشتر می‌شود؛ بنابراین وقتی در زندگی خود با مسأله‌ای مواجه شدیم بهتر می‌توانیم به سوره رجوع کنیم و متناسب با سطح دانشی که از سوره کسب کرده‌ایم، راه حلی بیابیم و پاسخ نیاز خود را بگیریم.

سطحی از قرائت، خواندن همراه با دریافت معنویت و دریافت قوانین است. در این سطح می‌توانیم برای زندگی فردی و اجتماعی از سوره‌ها معیار درآوریم؛ انواع معیارها و قوانینی که جهت زندگی‌ها را تعیین می‌کند. یعنی قرآن می‌خوانیم برای اینکه به معیارهای الهی و وحیانی دست پیدا کنیم و زندگی خود را براساس حق تنظیم نماییم.

سطحی از قرائت، خواندن برای برنامه ریزی کردن است. این سطح که سطح بالایی از خواندن قرآن است تدبیر نام دارد که با هدف تنظیم برنامه‌های زندگی صورت می‌گیرد و آرام آرام همه برنامه‌های فرد را منطبق با قرآن می‌کند.

به خود برگردیم. ما در کدام سطح با قرآن مواجه می‌شویم و چقدر از آن استفاده می‌کنیم؟ مهم نیست که اکنون در کدام سطح قرار داریم. مهم این است که بدانیم قرآن خواندن ما، امکان ارتقا دارد و ما در هر سطحی که باشیم می‌توانیم بهتر، عمیق‌تر و کاربردی‌تر قرآن بخوانیم و خود را محدود به روخوانی نکنیم؛ با این هدف که روزی همه برنامه‌های زندگی خود را با قرآن هماهنگ کنیم. مانند کسی که همواره ملازم یک عالم است به امید اینکه هرروز بیش از پیش از علم او بهره ببرد و به او نزدیک‌تر شود.